

باز هم مجاهدی دیگر در تهران بخون غلطید

بگذار تا دشمنان بیروسی و دروسی هرچقدر می خواهند ستارگان بخت ما را به زمین بکشند ولی ما باز هم آسمان را عرق ستاره ها خواهیم کرد.

بر صفحه ۲



سال اول - شماره ۸۵ - سه شنبه ۲۰ خردادماه ۱۳۵۹ - شماره ۵ ریال

پشتیبانی مجاهدین خلق از افشای اسامی ساواکها

مجاهدین خلق ایران ضمن تأیید گزارش مثبت و انقلابی مسئولینی که با افشا و اعلام اسامی گروهی از مأمورین ساواک به یکی از مهمترین خواسته های این ملت ستم زده پاسخ مثبت دادند، برایشان آرزوی خدمت بیشتر به خدا و خلق دارند. ما به کلیه مسئولین اعم از دادگاه های انقلاب و یا مسئولین تصفیه و پاکسازی که علیرغم تمامی کارشکنی ها به این اقدام ترقیخواهانه مبادرت ورزیدند اطمینان می دهیم که نیروهای انقلابی و تمامی خلق قهرمان ایران را پشتیبان چنین اقدامات مردمی خود خواهند داشت. امیدواریم این اقدامات مردمی سرآغازی باشد تا همه مقامات مسئولی را که به نحوی از انحاء امکان افشا اسامی مأمورین ساواک را دارند به پی گیری و ادامه ی آن برانگیزد.

سر مقاله:

دانشگاهها

چگونه می توان انحلال و تعطیل دانشگاهها را جدای از تعطیل عمومی سایر دستگا ههای کشور بررسی و مطرح نمود؟!

باید هر قشری در همان محل محل خودشان و در همان بنگاه های که ... آنها عضویت دارند، در آنجا همان را مشغول بشوند ... همه جا باید درست بشود اما هر کدام در محل خودش. باز از باید درست بشود لکن دانشگاهی به باز از نباید کاری داشته باشد ... ارتش هم باید انقلابی در آن بشود ... و امید است که بسیاری از آن شده ها بشود لکن ارتش نباید کار داشته باشد که در دانشگاه چه می گذرد ... سا بقا می گفتند که شمر خوب آنست که شمر باشد اگر بنا باشد شمر هم وقتی که صحبت می کند یا شعر می خواند مثل امام حسین بخواند این شمر نیست! ... امام خمینی

در خصوص قضایای یگانه و سیمه دانشگاه، که مسأله ای "انحلال یا تعطیل" با شدت هرچه تواتر مطرح می گردید، مجاهدین خلق ایران ضمن اعلامیه ای "ستت به تعطیل عمومی همه دستگا ههای آموزشی، اداری، مطبوعاتی، سیاسی و اقتصادی کشور" هشدار دادند. در مادیه ششم این اعلامیه که به تاریخ اول اردیبهشت ماه در همین ستون منعکس گردید، چنین می خوانیم: "ما پیشاپیش ستت به گسترش رزمی تعطیل دانشگاهها، به کل نظام آموزشی و اداری و تولیدی و ارتشی کشور، به مقامات مسئول هشدار می دهیم. به عبارت دیگر مسئله دقیقاً اینست که به دنبال تعطیل دانشگاهها به دلیل "نظام طاغوتی حاکم بر آنها" این مطلب با ارحمیت زیادتری به تمام نظام تولیدی، آموزشی، ارتشی، نظامی، تحصیلی و اداری و سیاسی کشور سبز قابل گسترش خواهد بود، که ما همچون گذشته خواستار دگرگونی انقلابی و بنیادی تمام نهادها و نظامات طاغوتی پیشین کشور هستیم. لکن میان یک تحول انقلابی و واقف اسلامی و مردمگرا با تلاشهای هر چه مورچ طلبانه که جز به منظور سرکوب نیروهای انقلابی طراحی شده اند، تفاوت بسیار است."

و اکنون بار دیگر مجدداً زمره ی تعطیل بلند نهاده است. البته رئیس جمهور در دیدار با دانشجویان این زمره ها را صراحتاً "شایعه" خواند و بعد هم در سخنرانی دیگری گفت: "انقلاب فرهنگی این ستت که دانشگاهها را تعطیل کنیم ..."

بی تردید رئیس جمهوری توجه دارد که تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور حتی به لحاظ عملی صرف نیز، غیر ممکن است. چرا که:

اولاً- دانشگاه به مثابه یکی از اندامهای ضروری سربک از جامع کبوی بشری در ارتباط تنگاتنگ با سایر اندامها یعنی، مدارس، کارخانجات، ادارات، بازار و ... و ارتش بر می برد و بهر دلیل یکی که تعطیل دانشگاه موجه باشد، تعطیل سایر اندامهای مملکتی موجه تر و اولی تر است. بعنوان مثال اگر در دانشگاه با این شیوه ها انقلاب لازم است، در مدارس و کارخانجات و ارتش هم لازم است. زیرا کسی نمی تواند بگوید که فی المثل دست شما باید کار کند ولی "چشم و گوش" بسته بماند. ایجابات که روشن می شود کسانی که می گویند دانشگاهها بیش از ۵ میلیارد تومان بوده خوردند ولی کار نگرداند! بطریق اولی وقتی که با این مطلب مواجه می شود که فلان نهادگویی یا لشکری دهبها و صدها برابر بودجه خوردند و تازه یک درصد سهم دانشگاه را هم در گذشته در انقلاب نداشته و به عکس نقش مطلقاً معکوس هم داشته است. علی القاعده بایستی خیلی بیشتر دل بسوزاند و سریعتر خواستار تعطیل این نهادها شود. ولی انگار که آن ها اساساً با چنین واقعیتی برخورد ندارند!

ثانیاً- معلوم است که حل مسایل نیروهای عظیم دانشگاهی پس از تعطیل احتمالی در شرایط حاضر و با نحوه ی کنونی اداری نهاد های کشور کار چندان ساده ای نیست. به قول معروف به یکی گفتند "تاج زین را بچسب، اسب سواری پیشکش!" ایضا نیز باید گفت گویا مملکت کم برخورد و دگرگویی و مسأله دارد که باز هم می خواهد چیزهای جدید پیشکش کند!

ثالثاً - از آنجا که تعطیل دانشگاهها در عمل جز به معنای یک اعلام جنگ تلویحی با آگاهترین اقشار کشور نیست، این امر آسیب بقیه در صفحه ۳

محمد (ص) پیامبر رحمت و رهائی

بمناسبت عید بزرگ مبعث

از افق دور همانجا که آسمان و زمين با هم يگانه شده بودند، دانه های ريز نور در فضا گسترده می شد و موج زانان پيش می آمد ... حالا همه جا نور بود. سنگینی درات بور، بدنت را در هم می فشرد، چشمان مضطربت را آزار می داد. بقیه در صفحه ۲

... محمد مقاومتش را از دست داده بود. خودش را رها کرده به "صدا" تن سپرد ... یک سوال همچون یک نیاز عظیم از عبق وجودش بر خاست و بر لبان ملنپیش نشست: "چه بخوام؟" در چشمان نافذ و مضطربش، یک امید، یک ساز، یک درد، موج می زد. بدنت در آتش یک سیمی سوخت.

بخوان؟ فریاد بازهم وجودش را می لرزاند. از دیواری عاز، از افق دور همانجا که زمین و آسمان برهم بوسه می زنند. از دستهای خنک، از کوههای بلند، از آوای گرم کوفته انداز که به جرم می برد، از خانه های گلی مردم، از چهره های سوخته و زنجیده ی بردگان، از زمین از زمان، یک فریاد، یک صدا بر می خیزد. همعا صدا، صدا، صدا

"بخوان بنام پروردگارت ..."

محمد متحیر و اندیشناک در چنگال یک فریاد اسپرته بود. فریادی که از عمق زمان و ذره ذره ی مکان سر می زد و بپگر لرزش را در هم می کوبید، منفعلش می کرد و بر جانش می نشست. چه بخواند؟ این فرزند کوه و صحرا که خواندن نمی داند. بر سر لوحی هسی. در این عاز کوچک، براسی چه چیز رقم خورده است؟ چرا



آیت اله سعیدی

خضم امیربالیسم و ارتجاع

به مناسبت سالگرد شهادت آیت الله مجاهد سید محمدرضا سعیدی

ده سال پس از این، روز نهم خرداد سال ۴۹ یک روحانی مبارز و مردمی به نام سید محمدرضا سعیدی، در زیر شکنجه های دژ چشمان ساواک مردانه به شهادت رسید و نه حدانش بیوست. اکثر جوانان مبارز

انقلاب فرهنگی

نوشته ای از استاد علی تهرانی

سسه تعالی نامه برای روشن نمودن مفهوم این واژه ها، گفتارهایی تقدیم می شود: اسرای واژه ی فرهنگ تعریف هائی نبوده اند که به نظر من بهترین و جامع ترین آنها این تعریف است: فرهنگ کلیه ی رفتار هائی است که در زندگی اجتماعی آموخته شده و از راه های گوناگون میان نسل های مختلفاً افراد یک نسل انتقال پیدا کرده است.

تهران و خصوصاً اهالی خیابان عباسی او را می شناختند و با کلام گرم و آشنایی آشنا بودند. سجد موسی حسینی جعفر (واقع در خیابان عباسی) که آیت الله سعیدی امام جماعتش بود، از جمله مساجد نادری بود که در سال های حفقان پس از ۱۵ خرداد ۴۲، همچون پایگاهی در مقابل سلفی فراگیر دیکتاتوری شاه مقاومت می کرد. سعیدی به سجد و محراس، معنا و محتوی داده بود. نهای سجد از همین سنگر، با کلامی آشنی، به سرد نا رزم دست ساندیده بر می خاست و طی سخاس، به مردوران استعمار خرافاتی بود در جهت حکیم سنگران، مبارزه می کرد و سولیان و مدافعان حسن مذهبی را افشا می نمود. در مقابل، اسلام زاسس و انقلابی را معرفی می کرد. از تاریخ فلسطین و حمایت صهیونیسم، سخن می گفت و محفل سخن او، میعاد جوانان بر سر و مبارزی بود که بعدها بسیاری از آنان به گروه های رزمده ی مسلح و سخحا" به مجاهدین خلق پیوستند. بقیه در صفحه ۳

هشیار باشیم!

هشداري مجدد در مورد فعالیت شبکه های سیا و ساواک

در روزنامه های ۱۷ خرداد ماه خبر دستگیری ۲ نفر به طور جداگانه آمده بود، که ما ضمن درج ترویس این دو خبر، برای بالا بردن هوشیاری انقلابی سئوالاتی نیز طرح می کنیم: خبر اول - نيمسار مصمام حنبار" توسط کمیته ی هرندي دستگیر شد. نامبرده یکی از عوامل مؤثر سیا و ساواک در ایران بوده، و به طرق مختلف هفتنهای تکبار به طور مرتب به آمریکا سفر می کرده است. در ادامه ی خبر آمده، که وی برای آزادی خویش ۲ میلیون تومان رشوه نیز پرداخته است ... خبر دوم - سامک زند ایرانی دستگیر شد، به طوری که ممانده ی دادستانی کمیته ی ستاد منطقه ی ۷ اظهار داشته است: "نامبرده برای

در شرایطی قتل به بررسی موقعیت زن در جامعه سرمایه داری پرداختیم و دیدیم که چنین جامعه ای زبان را نیز به دو ضقه ی کاری و سرمایه دار تقسیم می کند و در زمینه اقتصادی بین دستمزد زن و مرد تفاوت قائل می شود و ... اینک رساله ی مطلب

۲- خانواد

در جامعه سرمایه داری هنوز که هنوز است به دلیل طرز تلقی موجود، زن قبل از اینکه به عنوان عنصری از افراد انسان بحساب آید به عنوان یک زن مورد بررسی قرار می گیرد و هرگز جای صحیح خود را در خانواده پیدا نمی کند و متلا نقش مادر بودن او به سنگی درک می شود که گوئی این نقش باید سایر وظایف اجتماعی او را تحت الشعاع قرار دهد. در اینجا ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه این طرز تلقی هرگز به معنی برپا دادن به نقش مادر نیست چرا که در یک نگرش واقع سنا به

می بواند آن را به فرزند خود یاد دهد؟! اسخاست که ناحقهای را که مصرف و مادر به عامل اصلی مصرف در مورد زنان به طور خاص و جامعه به طور عام به باز می آورد، درک می کنیم و به همین دلیل مادری که دهن او عمیقاً تحت تأثیر فرهنگ مصرفی است از همان روز اول با نوع اسباب بازی هائی که برای دختران تهیه می کند، آرزوهائی که در ذهن او پرورش می دهد، زن مصرف کننده ی بوسنی را که فقط مطلوب سرمایه داری است بحویل جامعه می دهد. آری مراسم سحرده روز مادر که با خریدن شدن یک هدیه و دادن به مادر حسن گرفته می شود، بهترین نمونه از طرز تلقی سرمایه داری نسبت به مادر و ارزش اوست. آیا قدر والای مادر را می توان اینچنین در روز مادر با دادن یک کادو و برویج زندگی مصرفی ارج نهاد؟! یا باید اسندا حق اجتماعی مادر را ادا کرد و بعد برای او روز مادر را جشن گرفت بقیه در صفحه ۳

کرد که مادری از مسائل اجتماعی و مبارزه ی حاد زمان خود غافل باشد و در کنج خانه بنشیند و در عین حال بتواند فرزندان خوبی تربیت کند و به جامعه بحویل دهد. مادری که در کنج خانه بنشیند در نهایت خواهد توانست از سلامت جسم فرزندش مواظبت کند ولی آیا این وظیفه می تواند تمام نقش مادر باشد مگر به اینکه فرزند بیسرس ناسورا از مادر می گیرد و مگر نه اینکه بهیست زیر پای مادران است، مادری که خود راه بهیست را به دلیل حسن شدن در کنج خانه خوب فرا نگرفته چگونه



آیت اله سعیدی...

مجالس افتخاری که معمولاً در جاهای دیگر امکان برگزاریش پیدا نمی‌شده همت آیت‌الله سعیدی، در همین مسجد برپا می‌گردد و زمانی که دیگران جرات سخن گفتن نداشتند، او خود سخن می‌گفت. به دلیل همین فعالیت‌ها، چندین بار توسط کلانتری محل و ساواک جلب و مآخذ گردید.

در یکی از همین جلسات که به مناسبت شهادت یک ظلمی مبارز برگزار شده بود، خود او سخن گفت و ضمن تشریح اوضاع سید، رژیم را به محاکمه کشید. پس از این جلسه دستگیر شد و سندی را در زندان‌های قزل قلعه و نصر گذراند. آزادی او، به علت کثرت جوانان و هواداران مبارزی که به استفسار آمده بودند، چند روز به تعویق افتاد. در جلسه - ای که پس از آزادی با تعدادی از دوستان داشت، مداحی، سخن‌گویی را که در مدح او سروده بود، فرائض کرد. هنوز چند سببی از شعر را خوانده بود که آیت‌الله سعیدی کلامش را قطع کرد و با ناراحتی گفت: "آقا کافی است. این قدر ترک گویند."

حدودیت و زندان و آزار رژیم برای آیت‌الله سعیدی گوارا بود و آن را به جان می‌خرید. آنچه که برایش دردناک بود موضع‌گیری ارتجاعی برخی از هم‌لیسانش بود، که با اجرای تهمت‌ها و تاییدهای رسمی می‌کردند او را در میان مردم بدنام کنند. ایان که خود مهر سکوت بر لب زده و در عمل با رژیم ضدانقلابی و ضد مردمی شاه به سازش رسیده بودند، از فریادهای افتخارگرای آیت‌الله سعیدی به وحشت افتاده و از هر فرصتی برای کوبیدن او استفاده می‌کردند و به این وسیله، دانسته یا نادانسته، در مبارزه بر علیه آیت‌الله سعیدی، هم‌صدا می‌شدند. جوخوار شاه هم‌صدا می‌شدند. باستان سال ۴۶ برای دیدار امام به عراق رفت و بعد با دستی پر به ایران بازگشت.

مردی صواغ و مردود بود. مریلی بسیار ساده‌دست که به جمع و ما‌وازی سارزین و ریدانسان ساسی آزادنده تبدیل گشته بود. سناز آزاد اندیش بود. معنی صدر داشت و از سگ‌طوری دوری می‌جست در کابخانه بزرگ‌همه‌گفته‌کتاب، با اسده‌ها و افکار مختلف یافت می‌شد.

غار شکران، مرگانی بهایران می‌آیند

در اردیبهشت‌ماه سال ۴۹، خبر ورود سرمایه‌گذاران بزرگ امریکایی در خبرگزاری‌ها منعکس شد. سی‌ویس‌تن از بزرگترین سرمایه‌داران امریکایی، با نام "کمپنیه سرمایه‌گذاران امریکایی"، با هواپیماهای شخصی خود به تهران آمدند تا در رشته‌های مختلف کشت و صنعت، معادن، جلب گیاهان، شبکه‌های توزیع و... به میزان وسیع سرمایه‌گذاری کنند. روزنامه‌ها نوشتند که "این اولین اجتماع مهم در نوع خود خواهد بود که برای نخستین بار در خارج از امریکا، طی سال‌های اخیر برای سرمایه‌گذاری تشکیل می‌شود."

امپریالیسم جهان‌خوار امریکا که تحت حاکمیت چینی شاه و نظامیان ایران را جزیره‌ای امن و آرام سرمایه‌داران غارتگر کرده بود این چنین وضعی و آشکار، استقلال و شرف مردم ما را لگدمال سرمایه‌داران بزرگش می‌کرد. در حاکمیت غارت و سربروه، سگ‌تر هندی "گرتگان" حاکم بود. ولی آیت‌الله سعیدی آرام و قرار نداشت، به محضر علمای مرفه و از آنان استمداد طلبید، به تهران بازگشت و از برخی علمای تهران باری خواست، اما... عاقبت رجوع و دروغی باقی‌گمانده‌های

زن در مسیر رهائی

۳- زن عامل ترویج مصرف:

سرمایه‌داری، ردیلا نه ترین استفاده را از جاذبه‌ی زن بعمل می‌آورد و تمام تبلیغات خود را برای فروش کالاهايش با استفاده از این جاذبه‌ها سازمان می‌دهد. عکس انوسیل با زنی نیمه عریان در کنار آن، تبلیغ لباس، فیلم و... همه و همه با سو استفاده‌ی جاذبه‌های زن سرمایه‌داری با توجه به کوسکی حسی که در حوامع طبقاتی در بوده‌ها وجود دارد بهترین استفاده را به بقع انسانیت سرمایه از این جاذبه‌ها می‌کند و سنجنا به طور خود به خودی ذهن مصرف‌کننده را با این عامل خدیر کرده به خرید کالای مورد نظر نزدیک می‌کند که گوئی مصرف فلان کالا همان اندازه مطبوع است که برخورد با صورتی رنی که در کنار آن است به ذهن متبادر می‌کند.

۴- مساله‌ی زیبایی و آرایش

شکی نیست که مساله‌ی زیبایی و زیبایی‌شناسی همچنان که به لحاظ فلسفی مورد بررسی قرار گرفته امی است واقعی و مربوط به انسان در رابطه با طبیعت و جامعه و در جامعه‌ی سالم و اساسی، مساله‌ی زیبایی می‌تواند در ابعاد مختلف آن چه در رابطه با طبیعت و چه در رابطه با سایر انسان‌ها در خدمت اربنا و رشد جامعه قرار گیرد. ولی سرمایه‌داری از این عامل نیز به نفع گسروش مصرف و در نهایت تقلیل ارزش زن سو استفاده می‌کند.

کافیست توجه کنیم به ارقام سرام - آژور مواد آرایشی که تولید و مصرف می‌شود و به تنوع آن مدها و مدل‌های گوناگونی که هر هفته در حوامع سرمایه‌داری برای آرایش مو، صورت، لباس ارائه می‌شود. ساعت‌های سوانلی و ستریان بقارانی می‌گذرد و سنجنا سلع عظیمی آردسریخ بوده‌ها به هدر می‌رود ولی بدون شک به سع این خسارت مادی و در انعادی واقعاً آسیر از آن خسارت - های معنوی در جامعه‌ساز می‌آورد. اصولاً اگر واقع سنا به مساله‌ی آرایش که سرمایه‌داری بروج می‌کند برخورد کنیم سوچه خواهیم شد در جوهر خود مهبومی ندارد جز این که اعتلا زن در برخورد با مرد در صحنه‌ی اجتماع فضائی را بوجود می‌آورد که با او از جنبه‌های ظاهری برخورد شود و به اصطلاح هرگز "حدی" گرفته نشود و روی او به عنوان انسانی که در سایه برخورداری از اندیشه و توان‌های انسانی، نقش سازنده و تغییر دهنده در جامعه دارد حساب نشود اینجاست که مرد به عنوان عنصر مسلط‌حق هربوع تمییز و احاف را اجتماعاً به خود خواهد داد. و آیا این نوع آرایش که به معنای بارز کردن هرچه بیشتر زیبایی ظاهری زن است با سایه انداختن این جنبه بر تمام شخصیت زن امکان برخورد فکری و خلاق اجتماعی را در این رابطه‌ها نابود نمی‌کند؟

از طرف دیگر انرژی فراوانی که صبح جمعه خبر شهادت این دوستان و هم‌زمانش در منزلش گرد آمدند و نادش را گرامی داشتند. مجاهد ستوه، بدر طالبانی نیز در این مراسم شرکت داشت. پدر در تم شهادت آیت‌الله سعیدی با صدای بلند گریه و مردم را دعوت کرد تا به مسجد روند و صدای بغواز آیت‌الله سعیدی را به گوش همه برسانند. اما مامورین رژیم در مسجد را قفل کرده بودند. پدر از مردم خواست که در پیاده‌رو بنشینند و با سوگ خود سنا سعیدی را زنده

کنند. و جمعیت نیز چنین کرد. شهادت آیت‌الله سعیدی، آن هم در جریان مبارزه با سرمایه‌داران غارتگر امریکایی، جبهه‌ی جوخوار و وابسته‌ی رژیم شاه خاش را هرحه بیشتر برای مردم افتخار کرد. آیت‌الله سعیدی قاطعانه به سرد با رژیم شاه و اربابان امریکائی - ان برخاست، به بوده‌ها روی آورد سده وی‌قرار در میان آنان بدر آگاهی کاست و عاقبت سو در این راه با قبول هرکلی سرج، به خدا بویست عانی سعید و مات سعید - روه به یوان ماکس -

صحنه جمعه خبر شهادت این دوستان و هم‌زمانش در منزلش گرد آمدند و نادش را گرامی داشتند. مجاهد ستوه، بدر طالبانی نیز در این مراسم شرکت داشت. پدر در تم شهادت آیت‌الله سعیدی با صدای بلند گریه و مردم را دعوت کرد تا به مسجد روند و صدای بغواز آیت‌الله سعیدی را به گوش همه برسانند. اما مامورین رژیم در مسجد را قفل کرده بودند. پدر از مردم خواست که در پیاده‌رو بنشینند و با سوگ خود سنا سعیدی را زنده

محمد (ص)

پیامبر رحمت و رهائی

فریاد بردگان را در بغیرش فرو می - خورد. انسان در مسلح خدایان زر و زور، در لجه‌ی خون دست و پا می‌زند و خداری می‌خواند... بر خیز ای محمد! که سیه در زیر نازیبانی ارباب، اسارت تاریخی زن را فریاد می‌زند. بلال - این برده - ی سیه خرد - سگی به سگمی نارخ را - از جور ارباب بر سیه می‌کند و آحد را می‌خواند... بر خیز ای محمد! که ابولهب و ابوجهل فرمان می‌رانند. "اتراف" بی‌سرف تاریخ بر کرده‌ی بردگان تفتیش می‌دهند، اسان اسیر جنگال دیسو و دد است، تاریخ چشم انتظار نوست... بر خیز ای محمد! که غلی در اوج سناشیش، از جور کجروی و نامردمی، با خدا ناله می‌کند. فریادش در دل شب‌های تاریک کوه و دست‌های لرزان، آبا می‌شوی...؟ همان صدای نوست که، از زبان او، در تاریخ تکرار می‌شود، همان "صدای - ی هستی است که ترا بیدل و بی‌قرار کرده است. همان پیام - حداثت که... بر خیز ای محمد! که ابودر - این سویده‌ی انقلابی - را به تبعید برده‌اند، حجر و یارانش، در مسلح عشق - به معراج رفتنند. اشراقیت نو پای "مسلمانان" با دین بر، پشت مردم نازیبان می‌زنند و عاقلان - رهاست را به قربانگاه می‌کشاند...

بر خیز ای محمد... ای پیامبر آگاهی و آزادی! که فرزند کوچک و تیرست حسین، آماج همه‌ی تیرهای زمان، در قربانگاه کربلا، در خون خود به نماز ایستاده‌است و خدایا "می‌خواند... اللهم اکبر... بر خیز ای قانونگذار رهائی! که با "قانون" سو حکم فلسف را به حرم "خروج از دس بو" صادر کرده‌اند... در حه‌ی اول بر بایده‌ی ارزش‌های اید - لوریک‌موجود در طرفین پای می‌گردد در جامعه‌ی سرمایه‌داری به سطح یک، سادله و معاطه سزل پیدا می‌کند و عملا فلسفه‌ی تکاملی خود را به مقدار زیادی از دست می‌دهد.

در اینجا لازم است یادآور سویم که سنا م این بحث‌ها به این معنا نیست که خواهیم سترگ نقش عواطف یا زیبایی و سایر کشش‌های معقول در امر ازدواج سویم. بلکه مساله اینست که اولاً سرمایه‌داری احساس‌های زیبایی‌شناسانه و ملاکهای زیبایی را در جامعه به نفع گسترش بازار مصرف مسخ می‌کند و ثانیاً ارزش‌های صوری فوق را چنان مطلق کرده و در رابطه بین زن و مرد بدان نقش تعیین‌کننده می‌بخشد که عملا سایر وجوه اساسی رابطه‌ی زن و مرد که همانا رابطه‌ی فکری و آرمانی است تحت‌الشعاع قرار گرفته و یا به کلی فراموش شود.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که نظام طبقاتی سرمایه‌داری اگرچه از یک بعد سینه‌به‌جامعه‌ی فتودالی قدری آزادی در اختیار زن می‌گذارد و او را به دلیل ضرورت‌های تولیدی به میدان کار می‌کند ولی از طرف دیگر از آنجا که اینها همه به سنا خاطر برآورده شدن هدف گسروش صرف و انسانیت سرمایه است در جوهر خود مثل هر نظام طبقاتی دیگر زحیرهای سوسی به دست ویای زن می‌زند ز او را از حرکت در سست رهائی باز می‌دارد و زبان عصارا به حق دریاقتنهاد که برای رهائی‌گریز جریابود کردن این آخرین مرحله‌ی تحول جامعه‌ی طبقاتی و نقش‌کامل استعمار ندارد.

محمد، این سعیدی همسعی تاریخ، در ناسی به دارآرامی زمان برخاست با ریس را از ستم و باسارتی پاک کند و بعمده‌ی موحد و یگانه‌ی را از ران سرتوردهد

**

محمد، این سعیدی همسعی تاریخ، در ناسی به دارآرامی زمان برخاست با ریس را از ستم و باسارتی پاک کند و بعمده‌ی موحد و یگانه‌ی را از ران سرتوردهد

نگاهی به اخبار و رویدادها

مطبوعات: بوتهی آزمایش آزادیهای مصوب در قانون اساسی

خودگامیهای گروهی در عرصه مسابقت سیاسی طبیعتا حريم مطبوعات را نیز بی نصیب نمی گذارد. و بدون تردید، چگونگی برخورد با حرمت عقیده و آزادی نشر آن و به طور خاص مطبوعات، یکی از معیارهاییست که میزان اصالت یک سیستم را مشخص می سازد، چرا که به ویژه مطبوعات از عمدترین وسایلی است که در رشد آزادی توده ها سهم بسزایی دارد. بالطبع همین رشد آزادی در وهله اول حاکمیت نیروهای انحصارطلب را در معرض تهدید قرار می دهد. بدین خاطر، ویژگی مهم چنین نیروهایی دورنگداشتن مردم از حقایق و پرمیوشی بر معضلات و مشکلات حقیقی کشور می باشد. و درست در همین جاست که وجود مطبوعات آزاد و همچنین انقلابی تحملناپذیر می گردد. چنین عملکردهایی در رابطه با مسائل درونی سیستم نیز، اهداف خاص و مشخصی را تعقیب می کند و سنگینی جریان می آید، به طرف سنگین کردن یکی از کفها به زیان کفهای دیگر است. در این رابطه است که مطبوعات غیروابسته مسترا آماج زهرآگین ترین حملات و تهمت ها بودمانند و حتی محافل معلوم الحال برای حل این تضاد، به اعمال غیرقانونی نیز دست زده اند. این جریان ها در حالی خودسرانه دست به توقیف نشریات می زنند که بر طبق تصریح قانون اساسی جلوگیری از ادامه کار مطبوعات تنها با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری امکان پذیر است. طبق اصل بیست و چهارم "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آنکه مختل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند". براساس اصل یکم و شصت و هشتم نیز "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می کند". بدین ترتیب، توقیف نشریات به بهانه های از قبیل "ضد انقلاب بودن"، "برخلاف مصالح و منافع مملکت بودن" و... و رسیدگی به جرائم آنها تنها در صلاحیت محاکم دادگستری است. و در غیر اینصورت، غیرقانونی بودن چنین عملی برطبق قانون اساسی محرز می باشد.

اینجاست که باید پرسید، آیا بکاربردن مستمر واژه های "انقلاب"، "اسلام"، "مکتب" و... می تواند سرپوشی برای اعمال غیرقانونی و محدودکردن آزادیهای طبیعی و شرعی و عرفی... باشد؟ آیا توقیف نشریاتی که مجوز قانونی هم دارند، انهم در شرایطی که در مقابل نشریاتی غیرقانونی ای که تمام هم و غمشان تفرقه انگیزی، انحصارطلبی و افترا و هتاک است (نشریه "مناقض" و...) هیچگونه واکنشی نشان داده نمی شود. بستن سنگ و رهاکردن سنگ نیست و آیا... اما چه بجا که چون توده ها هرروز آگهی مری می شوند. انهم در عصری که "عصر گیر آزادی" خلق ها است. مجموعه خبرهای زیر تناقض رفتار برخی ارگانهای اجرائی را حتی با همین قانون اساسی مصوب نشان می دهد.

جمهوری اسلامی (۲/۱۶) - روزنامه "ندای آزادی" مجزودی منتشر خواهد شد. این روزنامه قبلا به وسیله شبکه مطبوعاتی آیتدگان منتشر می شد و پس از جلوگیری از انتشار شبکه آیتدگان این روزنامه نیز متوقف ماند. روزنامه آیتدگان توسط صهیونیسم بین المللی، در ایران بوجود آمد. وزارت ارشاد ملی ظاهرا بر کار تمام مطبوعات نظارت دارد و قانون کار تمام مطبوعات باید در چارچوب روند کلی انقلاب بوده به صورتی که به شکل مرکز توطئه و براندازی و جاسوسی در نیاید.

ندای آزادی (۲/۲۷) - آیا اعلام چنین مطالبی در "جمهوری اسلامی" علل دیگری ندارد؟ نکند "ندای آزادی" از جمله مستمسکی برای حل خرده- حسابها در وزارت ارشاد ملی و کنترل آن وزارتخانه و در دست گرفتن امور مالی حج باشد؟

بامداد (۲/۲۲) - از سوی دادستان کل انقلاب از انتشار ۴۰ نشریه جلوگیری شد.

آقای قدوسی: دادستانی کل انقلاب بنا به وظیفه حفظ دستاوردهای انقلاب در عرض یک ماه اخیر ۴۰ نشریه ضدانقلابی را که حتی برخلاف مقررات مملکت بدون پروانه منتشر می شدند، توقیف کرده و تصمیم دارد مجدداً پی گیری کند تا جلوی این توطئهگران شایعبردار را قاطعانه بگیرد.

مستول روابط عمومی دادستانی کل انقلاب، اسامی برخی از روزنامه های توقیف شده را به این شرح اعلام کرد: بازوی انقلاب - کارآرمان مستضعفین - خبرنامه ترکمن صحرا - رهائی - بیکار و... کل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد ملی: همگی آنها که فاقد امتیاز بوده و از سوی دادستانی توقیف می شوند، ضد انقلاب نیستند... حتی ما طی تماسی که با دادستانی کل انقلاب داشتیم متوجه شدیم که یکی دو مورد از نشریات توقیف شده امتیاز داشتند و اشتباهات آنها را دادستانی توقیف نکرده است. به هر حال امید است که با همکاری بیشتر در واحدهای اجرائی برقرار شود تا چنین ناهماهنگی باعث سرگردانی ملت نشود.

بامداد (۲/۳۱) - قانون نویسندگان ایران در نامه سرگندامی به دکتر بنی صدر با ذکر این نکته که هیچ جایگاه و ناشرو موزعی قادر به چاپ و نشر و توزیع مطالبی که به مذاق گروه های حاکم خوش نیاید، نیست، به جلوگیری از کار تعدادی چاپخانه و توقیف چند روزنامه اشاره شده و از ایشان درخواست شده است که به تعهدات و قول های خود در باره امنیت شغلی و تأمین آزادی های اجتماعی که به ویژه آزادی بیان و اندیشه و نشر محور تبلیغات انتخاباتی دکتر بنی صدر بود، عمل کنند و نگذارند دستاوردهای انقلاب خونین مردم ایران در این زمینه نابود شود.

(۳/۵) - بنی صدر و خبرنگاران مطبوعات نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات روزنامه "ندای آزادی" پس از ۴ روز انتشار مجدد به وسیله چند

در شهرستانها چه می گذرد...؟

حمله ای و باش مسلح به انجمن دانش آموزان مسلمان در بوشهر



انجمن جوانان مسلمان: خرابی و ویرانی آنچه از حمله ای با سلاح بجا مانده است.

به دنبال هشدارهای مکرر سازمان مجاهدین خلق ایران، پیرامون توطئه های حساب شده علیه سازمان در ۱۵ خرداد، و همچنین افشاکاری های گسترده پیرامون آن، تا حدودی دست توطئهگران برای انجام این عمل در تاریخ فوق الذکر بسته شد. اما همانگونه که در هشدارها قید شده بود این تهدیدها تنها به این روزها ختم نمی شود. و توطئهگران تا رسیدن به مقاصد شوم و ضدانقلابی خود از پای نخواهند نشست. خیر حطی مسلحانه ایادی ساواک و سیا به انجمن دانش آموزان مسلمان بوشهر، در تاریخ ۳/۱۸، هشدار است بسیار جدی و تکان دهنده برای مسئولین امر تا بیش از این در قبال هشدارها و تذکرات سازمان مسامحه نکرده و با پی گیری قاطع مسئله، از خونریزیها و درگیریهای بعدی جلوگیری نمایند. ما صریحا اعلام می کنیم اسامی رنگارنگ و اعضاها را مجهول پای اعلامیه های جریانهای فوق الذکر، از جمله "گروه زلزله" که مسئولیت حمله به انجمن در بوشهر را به عهده گرفته است، جز پوشی مضحک و تکراری، چیز دیگری نبوده، ایادی ساواک و سیا عملا گراننده ای آنها هستند. بی شک بین این حرکات ضد انقلابی و عطشهای مبعذاری در مکانهای عمومی که بدنهای هموطنان ما را بار می باره می کند، رابطه ای نزدیکی وجود دارد. مردم میهن ما تجربه ی جونیان از توطئه های این قبیل در اواخر عمر رژیم شاه و بختیار تحت عنوان "گروه های انتقام" و غیره که با شعارهای عوام فریب دست به حرکات ضد انقلابی، تخریب و ضرب و شتم می زدند، دارند. هم اکنون نیز خلق قهرمان ما، گول شعارهای اسلام پناهنده ای این عناصر را نخوردند و در قبال حرکات ضد مردمی آنها هشدارند. و از مبارزه علیه این بازماندگان ساواک و سیا لحظاتی غفلت نخواهند کرد.

در مورد چگونگی حمله فوق الذکر انجمن دانش آموزان مسلمان بوشهر اطلاعاتی زیر را صادر کرده است:

امیرالایم ستوری گردیدند. البته در همان لحظه ما با مقامات انتظامی تماس گرفته و جزئیات امورا را به آنها اطلاع دادیم لیکن با بی تفاوتی برخورد نمودند و اقدام مثبتی انجام ندادند و حتی امروز نیز که برای طرح شکایت خود به سبز و سایر ارگانها مراجعه نمودیم به بهانه ای ندانستن فرصت از دنبال کردن شکایت ما ظفره رفتند و ما ضمن ابقای این جانب، در پیگاه مردم قهرمان بوشهر از آقای رئیس جمهوری و کلیه مسئولینی که به نظم و امنیت توصیه می نماید خواستار رسیدگی به جریانی نسوق گردیده و آمادگی خود را برای بازید مقامات مسئول از محل اعلام می نمایم.

انجمن دانش آموزان مسلمان بوشهر اطلاع یافتیم که یکی از افراد فوق ایرج نودری نبوده و نام مامور ساواک ساری ایرج نظری بودمانند و همچنین حقیقی، نیز اشتباهات حقیقیه چاپ شده است.

یک تجربه ی شکست خورده نیست؟

۴- آیا کارهای افرادی نظیر تیمسار صمصام بختیار و سیامک زند ایرانی، بدون داشتن عوامل و سر- سپرگان دیگری در داخل بعضی از ارگانها امکان پذیر است؟

۵- آیا همین عوامل نیستند که به ضدیت بیمارگونه با نیروهای مترقی و انقلابی در نهادهای مختلف دامن می زنند و اختلافات را تبدیل به ضدیت هیستریک (دیوانه وار) با

بازدهم مجاهدی دیگر در تهران بخون غلطید

سحرگاه دهم دیروز (۱۹ خرداد) ساعت ۱۵:۳۰ دقیقه گروهی از افراد کمبندی ساد میمن منطقه ۶ به انجمن جوانان مسلمان میانی واقع در خیابان شیروخورشید حمله می کنند. در این حمله پس از تخریب قسمتی از دیوار انجمن وارد ساختمان شده و با قنداق تفنگ افراد و اعضا انجمن را محروح و دستگیر می کنند. مهاجمان وقتی با شعار اللهاکبر و کار بوضعی جوانان مسلمان بر روی مردم مواحه می شوند آنها را کتاکتاشان به داخل منی بوس می برند. مردم محل که بلافاصله از این تهاجم مطلع گردیده بودند در اطراف محل به نشانه اعتراض جمع شدند. مادران در این رابطه از هیچگونه کوشش و فعالیتی کوناه می کردند. در این تهاجم کمبندی ۱۲ رباط کریم، ساد میمن را همراهی می کرد. موعنی که جوانان مسلمان با پشتیبانی اهالی محل سعی داشتند مجدداً در داخل انجمن وارد شوند افراد مسلح به روی رهبران کتاکتاشان که به حال می دانیم در این جریان برادر مجاهد ناصر محمدی بر اثر اصابت گلوله به عرض در خون غلطید و به شهادت رسید. و دو نفر دیگر نیز به صرب گلوله محروح شدند. در محل ششیده شده است که پس از تجمع مردم، به مامورین کمبندی دستور داده شده است، که فوراً پس از خارج کردن سلاح و بی سیم های خودشان (برای پاک کردن آثار جرم) از محل وانهد، منطقه را ترک کنند گزارش دقیق این جریان را در شماره آینده درج خواهیم کرد. ما شهادت برادر مجاهد ناصر محمدی را به خانواده ای آن شهید و تمام خلق قهرمانان تبریک و تسلیت می گوئیم.

انقلاب اسلامی (۳/۱۴) - وزارت ارشاد ملی: این وزارتخانه به "ندای آزادی" پروانه رسمی صادر کرده است و حق انتشار دارد و مقامات مملکتی باید به حق مذکور احترام قایل باشند و توقیف این نشریه غیرقانونی می باشد.

بامداد (۳/۱۴) - یک شعبه از دادگاه انقلاب اسلامی مرکز کار رسیدگی به پرونده ی فروشندگان توزیع کنندگان، چاپ کنندگان نشریات ممنوعه و توقیف شده را آغاز کرده است. مسئول این شعبه از دادگاه در گفتگویی اظهار داشت در رابطه با فروش نشریات غیر مجاز تعدادی دستگیر شده اند که

انقلاب اسلامی (۳/۱۳) -

اطلاعیها انجمن دانش آموزان مسلمان بوشهر درباره حمله ای و باش مسلح به ساختمان انجمن

به نام خدا
به نام خلق قهرمان ایران
ساعت ۴/۲۰ دقیقه بامداد یکشنبه ۵۹/۳/۱۸، تعدادی عناصر معلوم الحال مسلح به بوزی و ز-۳ و کلت و انواع اسلحه سرد، در حالی که سر و روی خود را پوشانده بودند با پرتاب کوکتل مولوتف به ساختمان انجمن دانش آموزان مسلمان بوشهر و افراد مستقر در آن حمله نموده و ضمن به آتش کشیدن قسمتی از انجمن، خسارات مالی فراوانی به اموال و ساختمان مذکور وارد نمودند. برادران ما برای جلوگیری از گسترش درگیری و ایجاد خونریزی در این موقعیت حساس، تنها به مقاومت با شعارهای اللهاکبر پرداختند و در نتیجه آگاه شدن همسایگان از جریان فوق، این ایادی داخلی

تصحیح و پوزش:

به دنبال درج خبر مربوط به تجمع عناصر ساواک در روستای مزدک شهسوار، در شماره ۸۲ مجاهد،

هشیار باشیم!

هفته ای یک بار سری به آمریکا بزنند؟
۲- آیا وجود نقشه های علامت گذاری شده در منزل سیامک زند ایرانی نشان دهنده وجود شبکه های وسیع سیا ساواک در داخل نیست؟
۳- با توجه به این که این فرد قبلاً یکبار دستگیر و بعد آزاد شده بود، آیا آزاد کردن ساواکیها تکرار

باید کرد که مدعی ماموریت از سوی دادستان انقلاب اسلامی بودند تعطیل شد. در حالی که مقامات وزارت ارشاد ملی به ناشران روزنامه تأکید کرده اند امتیازنامه ی شان به قوت خود باقیست و آنان می توانند به فعالیت ادامه دهند.

بامداد (۳/۶) - مسئول روابط عمومی دادستانی کل انقلاب در مورد عدم انتشار روزنامه "ندای آزادی" اعلام کرد که این روزنامه به علت اهانت به مقام رهبری که تحت عنوان مصاحبهای چاپ شده بود، توقیف و تعطیل شده است.

انقلاب اسلامی (۳/۱۳) -